



گزارش زهرا چیدری

## زنان

سرویس اجتماعی ۰۹۸۴۹۸۴۰

روزنامه جوان | شماره ۶۵۹۴ |

گفت‌وگوی «جوان» با عضو مؤسسه صیانت از حقوق زنان

# «استراتژی غائله زنانه» راهبرد نرم دشمن برای مقابله بانظام اسلامی است



زهرا چیدری

مرگ دختر جوان ۲۲ساله حادتهای تأثرانگیز بود؛ حادثه‌ای که نام مهسا امینی را به‌اسم رمزی برای اغتشاشات تبدیل کرد. از همه جالب‌تر اینکه هشتگ مهسا امینی در زمان کوتاهی جهانی شد؛ رسانه‌های فارسی‌زبان در این میان بیشترین نقش آفرینی را برای تحریک مردم و به ویژه قشر زنان جامعه برای حضور در کف خیابان و برپایی اغتشاشات داشتند، حتی شعار این اغتشاشات هم به‌طور مستقیم زنان را مورد خطاب قرار می‌داد تا جایی که

مرگ مهسا امینی هر چند واقعه‌ای ناراحت‌کننده بود، اما مهسا امینی به‌اسم رمزی برای تحریک زنان جامعه و وقوع اغتشاشاتی که شاهد آن بودیم، تبدیل شد، به گونه‌ای که بحث انقلابی زنانه مطرح شد، اما این ماجرا عقبه‌ای طولانی دارد و استفاده ابزار از زنان برای مقاصد براندازی را در سال‌های گذشته هم به‌اشکال گوناگون شاهد بوده‌ایم و نقطه کانونی تمرکز ضدانقلاب و غرب نیز برای این سوءاستفاده مسئله حجاب بوده است؛ چهارشنبه‌های سفید، دختران خیابان انقلاب و امثال اینها، چراغ غرب برای براندازی به دنبال تحریک زنان است؟

ناکامی غرب در جهت نظامی و وصول اهداف فرامیانه بزرگ و جدید که امنیت رژیم‌هیونیستی و منافع ژئوپلیتیکی آمریکا را تأمین می‌کرد، باعث شد غرب به رهبری آمریکا برای بازسازی اعتبار آن جبهه در مقابله بانظام اسلامی از قدرت نرم جوزف‌نای بهره‌گیرد. یکی از مهم‌ترین نقاط تمرکز دشمن برای راهبرد نرم، زنان هستند چراکه زنان به‌عنوان یکی از عناصر پیشرفت و ارتقای نظام اسلامی به‌شمار می‌آیند. در این بهره‌گیری نقش احساسات زنانه و قدرت شبکه‌سازی آنها مورد توجه دشمن قرار گرفته است. این استراتژی غائله زنانه از سوی دشمن مورد توجه قرار گرفته‌است.

**شما واژه غائله را مورد تأکید قرار می‌دهید نه انقلاب زنانه که در شبکه‌های اجتماعی و از سوی لیدرهای اغتشاشات عنوان می‌شود.** دلیل تأکید شما بر استفاده از واژه غائله به جای انقلاب چیست؟

استفاده از واژه انقلاب زنان از سوی دشمن برای این است که

اثرگذاری و قدرت خودش را نمایش دهد و القا کند. من احساس می‌کنم از بعد داخلی و نگاه داخل‌نایدبحث غائله زنانه را به‌کار بریم. غائله زنانه با بهره‌گیری از ظرفیت نخبان، لژیون‌های حوزه زنان و حتی بلاگرها برای استحاله ارزش‌های اصیل و ایدئولوژی اسلامی به‌کار گرفته می‌شود. مؤلفه‌های گوناگون این پروژه در چند پرسه قابل بررسی است.

**و این پرسه‌ها چیست؟**

یکی تلاش در جهت تسلط‌گفتمان فمینیستی در جریان منازعه با گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر برابری جنسیتی و رهایی زنان از نظام پدرسالار است چراکه دشمنان در پی القای این نظریه هستند که زنان در سطح خانواده و اجتماع در جایگاه فرو‌تر از مردان قرار دارند، در حالی که به‌خاتم‌نقش‌های طلایی و پیرو داده می‌شود، بنابراین در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی تلفیق نظریه‌های ستمگری جنسیتی و نابرابری جنسیتی و همچنین تصویب قوانین ضدزن از سمت قوای مختلف نظام است. پرسه دیگری که مورد توجه قرار می‌گیرد، مسئله حجاب و ایجاد کمپین‌هایی همچون چهارشنبه‌های سفید و آزادی‌های یواشکی است که ابتدا در تلاش بود جامعه سکولار را به‌سمت خودش جذب کند اما در کمپین‌های اخیر تمرکز بر جامعه مذهبی ما هم بود که کمپین‌های «حجاب بی‌حجاب» و «محجیهام اما با گنشت ارشاد مخالفم» را هم در بر گرفته بود، بنابراین با تولید مفاهیم جدید به‌عنوان مثال «حجاب اجباری» به جای «حجاب قانونی» درصددالقای این هستند که زنان ایرانی با اجبار حجاب دارند. در حالی که ضدانقلاب در تلاش است تجمعی در حد مخالفان حجاب در اوایل انقلاب راه‌پیمازد که هنوز موفق نشده‌است.

**هدف نهایی از برپایی این غائله زنانه را چه چیزی**

ازپای می‌کند؟

اگر بخواهم به‌طور خلاصه غائله زنان را تبیین کنم، دشمن بااستفاده از استراتژی غائله زنانه در قالب پرسه‌های مختلف و نفوذ لایه‌های اجتماعی بر پدرسالاری و نظام مقتدر مردانه اسلامی به‌عنوان یک منشأ ستم جنسی بر فرودستی زنان تأکید دارد، درصددالقای آن است که قوانین موجب خشونت جنسی علیه زنان می‌شود و این مسئله به‌صورت یک اصل سازمان‌یافته دولتی تحت‌لوی نظام اسلامی صورت می‌گیرد. تلاش دشمن در غائله یا انقلاب زنان به دنبال این نیست که حتی سرتنگی نظام را در پی داشته باشد، چون قدرت سرتنگی ندارد، اما در پی این هستند که تصور ذهن ایرانی مسلمان را به‌سمت اینکه نظام اسلامی نظامی زن‌ستیز و قوانین اسلامی ضدزن است، بکشاند.

**امروز شاهد تحركات دنباله‌دار تعدادی از زنانی هستیم که ماجرای دختران خیابان انقلاب خودنمایی کردند و حالا هم گاه‌با برهنگی و رفتارهای اینگونه به اغتشاشات دامن می‌زنند.** این مسئله چقدر بر نامه‌ریزی شده‌بودن ماجراهای اینچنینی را نشان می‌دهد؟

یکی از پرسه‌های غائله زنانه بهره‌گیری از زنان در اغتشاشات کف خیابانی است؛ چیزی که از فتنه ۹۸ به بعد جلوه عمومی زیادی داشته است. در فتنه ۹۸ نقش زنان به‌عنوان لیدر، فیلمبردار یا خبری‌کننده اموال عمومی بود، اما در فتنه جدید از ابزارهای تحریک و برهنگی برای تحریک مردان استفاده می‌کنند. علت استفاده از جاذبه‌های جنسی، تحریک مردان و جلب توجه عموم

واکاوی رفتار دوگانه رسانه‌های غربی در برابر حادثه مرگ ۲ زن

## سکوت در برابر مرگ «زینب» و جهانی سازی هشتگ «مهسا»

دستمثابه خوبی برای دنبال‌غرب بود تا امنیت و آرامش مردم جامعه ما را به‌توتوش بکشند و مدافعان امنیت جامعه را مورد اتهام قرار دهند و تلاش کنند بین مردم و نیروی انتظامی فاصله بیندازند. درست در همین زمان زینب عاصم هم در مزرعه پدروی‌اش با گلوله نظامیان امریکایی کشته شدد اما هیچ یک از رسانه‌های غربی حتی نامی از زینب نبردند تا سیاست‌ها و استانداردهای دو‌گانه و منفعت‌طلبانه خود را در قبال ویتنامی‌واحد به‌نمایش بگذارند.

**شهادی‌های گمنام ماند**

زینب عصام در نتیجه اصابت گلوله جنگی کشته شد که منبع آن میدان تیراندازی نظامی در نزدیکی روستای البوعلان بود. به این ترتیب مشخص است که قاتلان این دختر نیروهای نظامی امریکایی هستند که در این میدان مستقر هستند. اهالی منطقه اعلام کردند کشته شدن زینب در نتیجه گلوله‌ای روی داد که از اردوگاه آموزشی در داخل فرودگاه بین‌المللی بغداد شلیک شده است؛ جایی که پایگاه امریکایی ویکتوریا در آن قرار دارد. خانواده دختر عراقی اعلام کرده‌اند آنها مجبور شده‌اند شکایتی را بر ضدنیروهای امنیتی در ایران اردوگاه نظامی مطرح کنند، چراکه باید شکایت خود را ضد فرد مشخصی انجام دهند. این موضوع نشان‌دهنده انحراف اجباری در روند تحقیقات است، چراکه یک خانواده روستایی هیچ



در جهت حضور در اغتشاشات و همچنین کاهش اقتدار پلیس در برخورد باغتشاشگران زن است.

نکنه جالبی که در بین زنان دستگیرشده در اغتشاشات وجود دارد، به‌جز لیدرهای اصلی که به‌سلطنت‌طلبان و منافقین و تجزیه‌طلب‌ها وابسته‌اند، اغلب این افراد آسیب‌دیدگان و بزهرکاران اجتماعی هستند که مثلاً با تحریک دوست پسرشان در این تجمعات شرکت کرده‌اند. پس لازم است در کنار واکاوی این ماجرا از منظر بحث تهدیدات امنیتی، این اغتشاشات و غائله زنانه از نگاه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی هم مورد واکاوی قرار گیرد.

**شعار «زن، زندگی، آزادی» که این روزها در میان اغتشاشگران شنیده می‌شود، شعار اصلی گروهک پژاک است.** این گروهک زیر سایه چنین شعاری چه ظلم‌هایی را به زنان کشورمان روا داشته است؟

شاخصه اصلی پژاک نقش نظام خانواده است و از دواج زادوولد را به نوعی ظلم در حق زنان می‌دانند و با عدم توجه به تفاوت‌های روحی زنان و تظاهر به شعار برابری، نقش عاطفی مادر را به یک‌زن تروریست و خشونت‌طلب تبدیل می‌کند. آنها دختران را با فریب مورد تجاوز قرار می‌دهند، به‌صورتی که از شرم، امکان بازگشت به زندگی عادی خود را ندارند. اصلا یکی از ویژگی‌ها و ماهیت‌های گروه‌های تروریستی همین برده‌داری جنسی است، به طوری که از دواج را ممنوع اما روابط نامشروع را آزاد می‌دانند. در حقیقت این گروه‌های تروریستی برای زنان اصلا کرامت قائل نیستند و به زنان به‌عنوان یک سرمایه مادی در جهت سوداگری نگاه می‌کنند که نتیجه آن بی‌بند و باری، التناذ جنسی، نفی آزادی و شکنجه و ترویج فرهنگ بی‌بندوباری است. نکته مضحک مسئله آنجاست که باوجود جایگاه بالای زن در نظام اسلامی و حضور فعال در عرصه اجتماع، اتحادیه زنان شرقی کردستان از شاخه‌های گروهک تروریستی پژاک، چندروز پیش طی اطلاعیه‌ای خطاب به مقامات جمهوری اسلامی آنها را به نقض حقوق زنان در ایران متهم می‌کند اما در برابر شعار به‌ظاهر جنایی که امروز بر سر زنان ما انداخته‌اند که «زن، زندگی، آزادی» باید سؤال کنیم که گروهک تروریستی پژاک که زن برخلاف خصوصیات درونی خودش در نقش‌هایی همچون نقش عظیم مادری، به‌یک کالا تبدیل شده و مورد سوءاستفاده مردان قرار می‌گیرد، چه دستاورد دیگری برای زن داشته است که حالانش دلسوز را ایفا می‌کند. این در حالی است که زن ایرانی که در ارائه نقض‌های مادری و همسری و همچنین نقشی که به‌عنوان یک مصلح اجتماعی در جامعه ایفا می‌کند، بی‌مانند است.

**اشاره داشتید که در فتنه اخیر از جذابیت‌های جنسی زنان برای تحریک مردان و جلب توجه عموم در جهت حضور در اغتشاشات و همچنین کاهش اقتدار پلیس در برخورد با اغتشاشگران زن بهره‌برداری شد.** این استفاده ابزاری از زنان چه آسیب‌هایی را برای آنان در پی دارد و چگونه دنیای غرب با گرفتن زنانگی زنان، آنان را بازویچه چنین برنامه‌هایی می‌کند؟

در خصوص استفاده ابزاری از زنان باید بگوییم که متأسفانه در سایه مدرنیسم و فمینیسم در غرب شاهد بی‌هویتی زنان و فرارگیری آنها در وضعیت ناپهتجار بر اساس معیارهای مادی گریانه هستیم. این یعنی به زنان به‌عنوان یک ابزار جنسی و حتی اقتصادی نگاه می‌شود. زنان فارغ از جایگاه و شخصیت انسانی خود به‌عنوان ابزار جنسی در جامعه مردسالار نقش ایفا می‌کنند. چرا می‌گوییم جامعه مردسالار؟ به خاطر اینکه حضور اجتماعی زنان، بر اساس غریزه جنسی مردان باید تعریف شود! در چنین جامعه‌ای حتی نقش‌های مادری و همسری و ساختار خانواده در حال تقدس‌زدایی است، بنابراین در نظام لیبرال سرمایه‌داری ثروت، قدرت و آزادی‌های سکولار معیار اصلی هستند و زندگی زناشویی و نقش همسری و مادری شاخص‌های ضدارزش شناخته می‌شوند. در صورتی که بر اساس شخصیت و هویت زن مسلمان، جایگاه زن بر اساس استعدادهای ذاتی‌اش شناخته و متناسب با آن جایگاه و منزلت اجتماعی زنان تعریف می‌شود، بنابراین نگاه ابزاری به زن در غرب، شعارهای زیبایی برابری زن‌ها و مرد را ارائه می‌دهد اما چیزی که در بطن واقعیت این شعارها وجود دارد، عدم توجه به داشته‌ها و استعدادهای فطری و جسمی زن است که زن و مرد را در برابر هم قرار می‌دهد و حتی مشاغلی را که جایگاه زنان نیست به آنها تحمیل می‌کند.

روى خطرنان

مشاور زنان آموزش و پرورش:

**به دختران بازمانده از تحصیل مناطق محروم رسیدگی می‌کنیم**

مشاور زنان آموزش و پرورش از برگزاری کلاس‌های آموزشی و کارگاه برای دختران، مادران و مربیان مناطق حاشیه‌ای و محروم خبر داد و گفت: به بازماندگی از تحصیل دختران مناطق محروم رسیدگی می‌کنیم. زهرا پناهی‌سوا در گفت‌وگو با ایلنا افزود: این طرح برای دختران، مادران آنها و مربیان کلاس آموزشی در مدارس که احتمالاً بیشتر تحت آسیب و در حاشیه هستند، بر گزار می‌شود. وی افزود: این موضوع در فرآیند کاری بااستان‌ها هماهنگ می‌شود تا بتوانیم در هر استانی، نیازهایی را که به لحاظ آموزشی و کارگاهی وجود دارد با هماهنگی یکدیگر برطرف کنیم. پیش از این مشاور وقت زنان آموزش و پرورش اعلام کرده بود ۲۰درصد از دختران مناطق محروم در متوسطه دوم به مدرسه نمی‌روند که این مسئله با بروز کرونا تشدید شده و به مقاطع دیگر نیز سرایت کرد.

■ ■ ■

**جمعیت سالمندی**

**در حال زانۀ شدن است**

بررسی‌های مطالعات حوزه سالمندشناسی نشان از آن دارد که جمعیت سالمندی در حال زانۀ شدن و تعداد زنان سالمند خودسرپرست در حال افزایش است. صدف جعفر، کارشناس امور سالمندان معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با بیان این مطلب افزود: «می‌توان گفت که بی‌علت نیست شعار روز جهانی سالمند در امسال (۱۴۰۱) «تاب‌آوری و مشارکت زنان» اهتمام ویژه‌ای به زنان سالمند داشته است، البته این به معنای بی‌توجهی به مردان سالمند نیست.» جعفر خاطر نشان کرد: نهایتاً به‌منظور افزایش میزان مشارکت زنان و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی می‌توان ادعان داشت تغییر ذهنیت و باورهای غلط نسبت به زنان سالمند و تقویت حس اعتمادبه‌نفس، خودابرازی، مشارکت‌جویی به‌منظور شکوفاسازی استعدادهای نهفته و ارتقای مشارکت این گروه سنی در هر جامعه‌ای می‌تواند منجر به ارتقای روحیه مقابله و تاب‌آوری سالمندان در برابر مشکلات و بیماری‌ز شایع این دوران و همچنین کاهش احساس ناتوانی و آسیب‌پذیری در آنان شود.

■ ■ ■

**خرزلی: باید برای توانمندسازی زنان**

**و خانواده‌ها در دوره سالمندی تلاش کنیم**

معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری گفت: توانمندسازی خانواده‌ها به‌ویژه زنان در دوره سالمندی مسئله‌ای مهم است که تحقق آن مستلزم پشتیبانی مادی و معنوی در حوزه سلامت با فعال کردن بخش‌های مربوط به سلامت در وزارتخانه‌های ورزش و جوانان و بهداشت است. انسبه خرزلی با تأکید بر اینکه سالمند شدن جامعه و کاهش جمعیت جوانانی که بتوانند پشتیبان این قشر باشند، علاوه بر داشتن هزینه، جامعه را دچار فرسایش می‌کند، افزود: «به غیر از قانون جمعیت که مصوب مجلس است و تمام ارگان‌ها و وزارتخانه‌های ذی‌ربط موظف به اجرای آن هستند، باید تلاش کنیم توانمندسازی‌های زنان را به‌صورت ویژه و همچنین خانواده‌ها در دوره سالمندی محقق کنیم.»

تربیون



**«هژمونی فریب» نگاهی به وضعیت زندگی زنان در گروهک تروریستی منافقین**

کتاب «هژمونی فریب» نوشته حسام‌الدین بیمان و علی قاسمیان به‌صورت ویژه به زندگی زنان در گروهک تروریستی منافقین می‌پردازد. مهم‌ترین مسئله در زمینه زنان در گروهک تروریستی منافقین، تناقض آشکاری است که بین ادعای محوریت زنان (شورای رهبری این گروهک تروریستی) با استفاده ابزاری از آنان دیده می‌شود.

قتل پنهان هویت و زن بودن در فرقه تروریستی مجاهدین خلق، موضوعی است که کتاب هژمونی فریب را متمایز می‌کند. این کتاب با تأکید بر ساختار فرقه‌های گروهک منافقین از طریق اطلاعات به‌دست آمده از اعضای حداشده از سازمان، به واکاوی موضوع زن در تشکیلات پرداخته و حقایق پنهان مانده را برای افکار عمومی آشکار می‌کند.

نویسنده کتاب هژمونی فریب سعی دارد به موضوع زن در گروهک‌های تروریستی منافقین بپردازد و حقایق زندگی زنان را در این گروه‌های تروریست آشکار کند. این کتاب تلاش دارد به چگونگی حیات زنان در سازمان منافقین از پیش از انقلاب تا بعد از آن به‌ویژه در زمان حضور در اردوگاه اشرف بیرداز که بازتاب‌کننده جنایاتی است که سرکرده سازمان علیه زنان سازمان انجام داده است، در حالی که آنها در محیطی بسته قرار داشتند و راه فراری برای زنان وجود نداشت. هر آنچه در سازمان علیه زنان انجام می‌شود، به‌عنوان اصلی اصولی و درست به اعضای آن تلقین شده و زنان چاره‌ای ندارند جز آنکه از آن پیروی کنند.

سازمان منافقین فقط از زنان به‌عنوان یک ابزار بهره‌نبرد، بلکه از مردان نیز به‌عنوان یک ابزار استفاده کرد. مردان بیشترین انتقادات را به‌مسعود جوی داشتند، از این جهت سازمان تصمیم می‌گیرد زنانی را در رأس کار بیاورد که سوآلی در ذهن آنها ایجاد نمی‌شود یا زود قانع و راضی می‌شوند. این زنان در شورای رهبری قرار می‌گیرند و مردان از زده‌های بالا حذف می‌شوند. در این سازمان زنان به‌عنوان ابزار هستند و در این مقطع موضوع رقص، رهایی و ازدواج زنان با مسعود جوی مطرح می‌شود. سازمان حتی با عقیم‌سازی زنان، حق فرزندآوری را از آنها سلب می‌کند.

آنها حتی حق از تباط با خانواده‌ها و حق تفکر هم ندارند. هیچ سوآلی هم نباید در ذهن آنها به وجود بیاید طوری با زنان رفتار شده است که این‌پندهای برای آنها متصور نیست.

این کتاب در ۱۵ صفحه‌ها سوی انتشارات انجمن پیشکسوتان سپس راهی بازار نشر شده است.

■ **سکوت و سقوط**

قدر مسلم از نگاه حرف‌های رسانه‌ای هم که بخواهیم به‌ماجرای نگاه کنیم، درمی‌یابیم حادثه مرگ زینب عناصر رسانه‌ای بیشتر بر اهمیت‌تری دارد و سوآلات و ابهاماتی که پاسخ به آنها بی‌تردید بیش از این ماهیت واقعی امریکا و غرب را روشن کرده و شاید به خروج قطعی تمامی نظامیان امریکایی از عراق و بسته شدن پایگاه‌های نظامی امریکا در این کشور منتهی می‌شود، اما سکوت رسانه‌های جریان اصلی در برابر این حادثه تلخ موجب شد زینب حتی در کشور عراق هم گمنام بماند!

حادثه مرگ دختر عراقی اما در حالی در معرض رسانه‌های بین‌المللی مورد توجه قرار نگرفت و هیچ کشوری این حادثه را محکوم نکرد و از طرف امریکایی یا سازمان ملل یا کشورهای اروپایی و غربی نیز که چند روز پیش به علت کشته شدن یک دختر دیگر، دنیا را زیر و رو کرده‌اند، هیچ صدایی درنیامده است. این مسئله مورد توجه رسانه‌المیادین هم قرار گرفته است و این رسانه در مقایسه‌ای میان بازتاب‌های رسانه‌ای مرگ مهسا امینی و زینب عصام تأکید می‌کند: «هردوی این حادثه تأسفیر است، اما نکته‌ای که در این زمینه مهم به نظر می‌رسد، تناقض آشکار در تعامل رسانه‌های مختلف با این دو اتفاق تقریباً یکسان است.»

گونه دسترسی به این پایگاه نظامی امریکایی ندارد که

بتواند سندی درباره هویت قاتل به‌دست بیاورد.

■ **تناقض در تعامل رسانه‌های غربی‌با حادثه**

گرچه نیروهای امریکایی مستقر در عراق متهم اصلی این پرونده هستند، اما تاکنون هیچ گزارش یا توجیهی در زمینه این اتفاق ارائه نکرده‌اند اما برخی شخصیت‌های رسانه‌ای و سیاسی عراقی نیروهای امریکایی را به کشتن این دختر نوجوان عراقی متهم کرده و خواستار تحقیقات در این حادثه شده‌اند. آنها هشتگ «امریکازینب‌راکشته‌است» را در سایت‌های اجتماعی منتشر کردند، اما این اتفاق هرگز از سوی رسانه‌های بین‌المللی مورد توجه قرار نگرفت و هیچ کشوری این حادثه را محکوم نکرد و از طرف امریکایی یا سازمان ملل یا کشورهای اروپایی و غربی نیز که چند روز پیش به علت کشته شدن یک دختر دیگر، دنیا را زیر و رو کرده‌اند، هیچ صدایی درنیامده است. این مسئله مورد توجه رسانه‌المیادین هم قرار گرفته است و این رسانه در مقایسه‌ای میان بازتاب‌های رسانه‌ای مرگ مهسا امینی و زینب عصام تأکید می‌کند: «هردوی این حادثه تأسفیر است، اما نکته‌ای که در این زمینه مهم به نظر می‌رسد، تناقض آشکار در تعامل رسانه‌های مختلف با این دو اتفاق تقریباً یکسان است.»